

# مسئله رضایت در رابطه جنسی

Photo: Andrii Yalanskyi/www.shutterstock.com

اسفندیار کیانی

در نوشتار پیشین درباره مساله سرزنش قربانی و اصل برائت بحث کردیم. در این بخش به جنبه دیگری از سرزنش قربانی، یعنی مساله رضایت (نسبت به ارتکاب عمل جنسی) و استنباط وجود رضایت در قربانی بر اساس قرائن و نشانه‌های موجود خواهیم پرداخت.

می‌دانیم که در جرائم جنسی به ویژه خشونت خانگی، مساله رضایت مفهومی پایه‌ای و تعیین‌کننده است. باید پیش از محکوم کردن مرتکب اطمینان پیدا کرد که این تعرض و تعدی بدون رضایت قربانی اتفاق افتاده است. در غیر این صورت وصف مجرمانه در عمل ارتكابی از بین می‌رود و آن عمل به اعتبار تعرض و تعدی بودن دیگر جرم نیست. اما همان‌طور که در نوشتار پیشین آمد، سرزنش قربانی پیامد نوعی پیش‌داوری در ماهیت دعوا است. در خصوص جرائم جنسی، به ویژه در حوزه روابط صمیمی و در بستر خانه، بیشتر افراد به حکم ظاهرشان، مثل نحوه آرایش، خال‌کوبی، لباس، شیوه صحبت، وضعیت تاهل، رفتارشان و مانند اینها مورد قضاوت قرار می‌گیرند، و این قضاوت می‌تواند فرض "رضایت" قربانی به عمل ارتكابی باشد. این قضاوت بیشتر بر اساس یک انگاره کلیشه‌ای (stereotype) از یک "قربانی" ایده‌آل که در ذهن افراد می‌تواند وجود داشته باشد، پدید می‌آید. اما پرسشی که باید مطرح کرد این است که رضایت چیست و آیا می‌توان از ظاهر افراد رضایت آنها را نتیجه گرفت؟

[به کانال تلگرام خانه امن بپیوندید.](#)

رضایت یک حالت ذهنی است که گاه ظهور و بروز مادی نیز پیدا می‌کند. هرچند از نشانه‌های موجود می‌توان وجود رضایت را دریافت و همیشه رضایت ابراز نمی‌شود. عدم رضایت نیز بر همین مبنا، کمابیش تنها با استناد به قرائن و شواهد خارجی و مادی موجود قابل اثبات است. [1] رضایت—یا نبود رضایت—می‌تواند به دو شکل صریح و ضمنی ابراز شود. در حالت اول، یعنی ابراز صریح رضایت یا عدم رضایت، به فرض وجود دلایل اثبات‌کننده ادعا، مجال چندانی برای تصورات کلیشه‌ای برای سرزنش قربانی باقی نمی‌ماند. اما نظر به طبیعت روابط صمیمی، رضایت—یا عدم رضایت—کمابیش یا صریح ابراز نمی‌شود یا اگر هم بشود ضبط و ثبت (برای اثبات) نمی‌شود. به همین دلیل وجود یا نبود رضایت باید بر اساس قرائن و شواهد اثبات شود. [2]

اما بر مبنای چه شواهد و قرائنی می‌توان رضایت را فرض کرد؟ پاسخ به این سوال هرچه باشد بی‌گمان شامل ظاهر افراد، وضعیت تاهل، و سابقه کیفری ایشان نمی‌شود. اما ناگفته پیداست که در مراحل ابتدایی رسیدگی، قربانیان بر مبنای همین امور به راحتی قضاوت می‌شوند. در دلایل اثبات جرائم جنسی به ویژه در حوزه خشونت خانگی، بیشتر تصور می‌شود که "مقاومت" در برابر فرد متجاوز نشانه "عدم رضایت" است. اما آیا از این گزاره می‌توان خلاف آن را نیز نتیجه گرفت؟ آیا عدم مقاومت نشانه رضایت است؟ باید گفت این تصور هم زاده "سرزنش قربانی" و مبتنی بر انتظارات غیرواقعی از فرد قربانی است. ملانی راندال در بخشی از مقاله خود به این موضوع، یعنی انتظار مقاومت، [3] می‌پردازد. به‌طور خلاصه، او براساس مطالعه پرونده‌هایی در این خصوص، چنین استدلال می‌کند که بسیاری از تعدی‌ها و تجاوزهای جنسی بین دو طرف یک رابطه صمیمی (مثل همسر یا دوست صمیمی) رخ می‌دهد و فرض—یا انتظار—مقاومت بیشتر در خصوص موردی ممکن است صدق کند که متجاوز اجنبی (فرد غریبه) باشد. نزدیکی و صمیمیت بین افراد موجب واکنش متفاوت قربانی به متجاوز می‌شود. علاوه بر این و در کنار این مساله، گاه مسائل اجتماعی، شرم، ماهیت رابطه متجاوز و قربانی (مثلاً بین رئیس و کارمند) موجب می‌شود تا امکان مقاومت از قربانی گرفته شود. باید افزود که به‌طور کلی گاه به حکم عقل مقاومت (در برابر یک جنایت کار) توجیهی ندارد و ممکن است منجر به خطر جانی برای فرد شود.

از این نویسنده بیشتر بخوانید:

[ایده‌هایی اروپایی برای قانونگذاری علیه خشونت خانگی](#)

[قتل مجاز و قانونی](#)

[شرح ماده‌ی سه قانون خشونت خانگی نیوزیلند \(۵۹۹۱\)](#)

به هر حال باید در نظر داشت که فرهنگ سرزنش قربانی جلوه‌ها و مظاهر متنوعی دارد و همان‌گونه که اشاره شد، این نگاه می‌تواند به تمام بدنه جامعه رخنه کند و آسیب‌های ناگواری را برای جامعه، فرد، و دستگاه قضایی به همراه بیاورد. در نوشتارهای آتی به برخی از نتایج این نگرش خواهیم پرداخت.

۱۱] شاید قوی‌ترین نشانه در نظام حقوقی ایران برای احراز رضایت به عمل جنسی، ازدواج باشد که رضایت دوطرف را فرض می‌گیرد. البته باید افزود که ازدواج، در سایر نظام‌های حقوقی، نمی‌تواند اثبات‌گر رضایت باشد هرچند بتوان آن را قرینه قلمداد کرد.

۱۲] یکی از عناصر جرم، رکن معنوی است که زبان ساده راجع به " قصد " مجرمانه مرتکب است. در صورتی که عملی، مثلاً ورود به خانه فردی، با رضایت فرد صاحب خانه صورت گیرد، به دلیل رضایت صاحب ملک، وجود قصد مجرمانه سالبه به انتفاع موضوع است. این امر در خصوص جرائم جنسی هم صادق است. البته در نظام حقوقی ایران، رابطه جنسی خارج از ازدواج جرم‌انگاری شده است، با این حال تفاوت بین مجازات رابطه جنسی با رضایت طرفین و تجاوز به عَنف قابل چشم‌پوشی نیست.

۱۳] در مقاله‌ای در همین خصوص، ملانی راندال استدلال می‌کند که تصور کلیشه‌ای از قربانی ایده‌آل، یعنی کسی که خود موجبات وقوع جرم را فراهم و یا وقوع جرم را تسهیل کرده است، مبتنی بر انتزاعات بدون ما به ازای واقعی از ماهیت تجاوز و تعدی جنسی است. مثلاً در بسیاری مواقع قربانی خویشاوندی نزدیکی با مرتکب دارد و این امر موجب از بین رفتن امکان دفاع و مقاومت، که از یک فرد در شرایط عادی انتظار می‌رود، می‌شود. برای مطالعه مقاله نک.

Randall, Melanie, "Sexual Assault Law, Credibility, and "Ideal Victims": Consent, Resistance, and Victim Blaming," *Canadian Journal of Women and the Law*, 2010, Vol.22(2), pp.397-434.

۱۴] به زبان حقوقی، و در خصوص ادله اثبات دعوا، " رضایت " امری دشوار برای اثبات است هرچند ثبوت آن برای خود قربانی (مدعی) نیازی به دلیل ندارد، در واقع مدعی خود بدون واسطه از حقیقت وجود یا نبود رضایت آگاه است. البته در این خصوص باید افزود که ممکن است در مواردی خاص قربانیان، تحت تاثیر آسیب‌های روانی پیشینی، تصور کنند که مورد تعدی و تجاوز قرار گرفته‌اند اما در واقع تجاوز و تعدی در کار نباشد. در این صورت، ثبوت رضایت حتی برای خود مدعی و قربانی روشن نخواهد بود و برای فهم حقیقت نیاز به روان‌کاوی و کنکاش در جنبه‌های مختلف ادعا خواهد بود— که با تشخیص یا تایید دادگاه می‌تواند انجام شود. یعنی قربانی ممکن است به دلیل برانگیخته شدن خاطره‌ای دردناک، مثلاً از کودکی، تصور کند و باور داشته باشد که یک رفتار دیگر که سالها بعد اتفاق می‌افتد، منجر به تجاوز و تعدی به او شده است.

۱۵] نک. راندال، پیشین، صص. 415 تا 423.